روز باشکوه شهر کوچک

خاتون بم در پانزدهمین دوره از لیگ فوتبال زنان به نهمین قهرمانی رسید. بمی‌ها که بعد از زلزله خوی خاطرات سال ۱۳۸۲ برایشان تداعی شده، برای این قهرمانی خوشحالی نکردند

لیلی خرسند | شهر ۲ چهره متفاوت دارد. سبزی نخل‌های سربرافراشته زندگی را تداعی می‌کند، زندگی استقامت و قدرت را. و خاک؛ خاکی که از هویت کویری شهر می‌گوید. مردمان بم هم مانند شهرند؛ لبخند سبزشان به مهربانی دعوتت می‌کنند و چشم‌هایشان... نگاه کردن به چشم‌هایشان جسارت می‌خواهد و دلی سنگ. انگار غمی ابدی بر چشم‌ها و نگاهشان نقش بسته، غمی که با بزرگ‌ترین شادی‌ها هم فراموش نمی‌شود، غمی که بیش از ۲دهه است به دوش می‌کشند. بتول خانم می‌گوید: «ما فقط زنده‌ایم.» بتول و زنان دیگر روی سکوهای ورزشگاه فجر نشسته‌اند و منتظر شروع مراسم اهدای جام قهرمانی هستند. سکوها بیشتر از اینکه پر باشند، خالی‌اند. بتول خانم از علاقه‌اش به فوتبال می‌گوید و از علاقه‌اش به تیم دختران خاتون بم. او گلایه دارد: «دختر همسایه‌مان من را خبر کرد که امروز مراسم است. اگر اطلاع‌رسانی می‌کردند الان اینجا غوغا بود.» میترا خانم که دخترها را با خودش به استادیوم آورده، فوتبالی نیست اما دلش شادی می‌خواهد. خاتون و دخترانش تنها بهانه شادی بمی‌ها هستند: «ما اینجا هیچ تفریحی نداریم، نه سینما، نه تئاتر و نه حتی یک پارک خوب. هرجا که مراسم باشد، می‌رویم.» برعکس میترا که فوتبالی نیست، بتول خانم با دیدن فوتبال سر ذوق می‌آید و دلش می‌خواهد خودش هم پا به توپ شود: «با این سن خجالت نمی‌کشم، اگر وقت داشتم بازی می‌کردم.» به جای خودش دخترهایش را تشویق می‌کند که فوتبالیست شوند. بتول فوتبال را بهانه‌ای برای شاد بودن می‌داند: «شما نمی‌دانید مردم اینجا مثل روح‌اند، افسرده‌اند، انگار مرده‌اند.»

روح مردم همان ۲۰سال پیش مرده و فوتبال بهانه‌ای برای زنده نگه داشتن آنهاست. قبل از زلزله، مرضیه جعفری سرمربی تیم بم بود. او ۱۲بازیکنش را از دست داد ولی دوباره از روی همان خرابه‌ها فوتبال را از سر گرفت تا ناجی مردم شود و زندگی را به آنها برگرداند و حالا ۲سالی است که غم خود او با از دست دادن برادر و پسرش تازه شده است. برای او که به‌دنبال بهانه‌ای است تا اشک‌هایش جاری شود، بم و مردمش باارزش‌ترین‌ها هستند: «مردم شهر خوشحال باشند، برای من کافی است.» تیم قرار است نهمین جام را بالای سر ببرد و جعفری می‌گوید: «خوشحالم که جلوی مردم سربلندم. آنها هنوز داغدارند و ما همه کار می‌کنیم تا خوشحالشان کنیم.»

محمد و چند پسربچه دیگر تنها مردان روی سکوها هستند. برخلاف فصل گذشته که برای جشن هشتمین قهرمانی بم در لیگ فوتبال زنان روی سکوها جای سوزن انداختن نبود و بمی‌ها خانوادگی به استادیوم آمده بودند، این بار ورود مردان ممنوع است، البته فقط روی سکوها. کنار چمن برای مهمانان ویژه، صندلی چیده‌اند و زن و مرد کنار هم نشسته‌اند. جعفری هم از این بابت ناراحت است: «متأسفم و نمی‌دانم چرا این تصمیم را گرفته‌اند.»

آسمان بم تاریک‌تر شده و روی سکوها کمی شلوغ‌تر. مادر فاطمه با چادر مشکی‌اش با چند دختربچه به زمین سبز چشم دوخته. خودش را مادر عطا میرزاده معرفی می‌کند، مربی تیم فوتبال زیر ۱۷سال مس کرمان. او حرفه‌ای است و در همه بازی‌هایی که بم میزبان است، به ورزشگاه می‌آید: «برای دخترها کل می‌کشم.» بازیکنان را هم خوب می‌شناسد و بازی زهرا قنبری را بیشتر از بقیه می‌پسندد. شاکی است که چرا اجازه نداده‌اند مردم خانوادگی به ورزشگاه بیایند: «همه باید بیایند و حمایت کنند.» و به اینجا که می‌رسد سر درد دلش باز می‌شود: «مردم که تفریحی ندارند. بعد از زلزله فقط ساختمان‌ها محکم شد و دل‌ها هیچ‌وقت شاد نشد. چیزی نیست که بچه‌ها با آن خوشحال شوند و از زندگی لذت ببرند. حتی مدرسه بچه‌ها گاز ندارد و امسال در کلاس علاءالدین روشن کردند. نمی‌دانم چرا مسئولان در حق مردم بم کوتاهی می‌کنند و بیشتر از همه آموزش‌وپرورش.» و یاد روز زلزله می‌افتد: «عازم کربلا بودم و از سر ذوق صبح زود بیدار شدم. یک دفعه آسمان قرمز شد و زمین لرزید. بعد از آن دیگر کسی در شهر نماند. الان بیشتر مردم غریبند.» این روزها خاطرات زلزله خوی و ترکیه، خاطرات تلخ را برای مردم بم زنده کرده است: «نمی‌دانید با دیدن صحنه‌های زلزله چه عذابی می‌کشیم. یاد برادرزاده ۱۷ساله‌ام می‌افتم که بعد از ۴۸ساعت از زیرآوار پیدایش کردیم ولی فوت شد.»

همه‌چیز برای برگزاری مراسم آماده است. همه ترانه‌هایی که برای ایران و قهرمانان خوانده‌اند از بلندگوها پخش شده. مجری پشت تریبون می‌رود. از مسئولان شهر بم و سازمان لیگ برای اهدای جام و مدال دعوت می‌کند. بعضی‌ها گلایه می‌کنند که چرا مهدی تاج، رئیس فدراسیون به‌خودش زحمت نداده به بم بیاید و کنار تیم قهرمان باشد. بعضی‌ها هم سر انتخاب نایب‌رئیس زنان بحث می‌کنند. چند ساعت قبل مریم منظمی که قبلا نایب‌رئیس فدراسیون وزنه‌برداری و کشتی بود، به‌عنوان نایب‌رئیس جدید فدراسیون فوتبال معرفی شده و کارنامه ضعیف او زنان را نگران کرده است. روزهای قبل گفته می‌شد گلاره ناظمی، داور بین‌المللی انتخاب تاج است و حالا که او به عنوان مسئول برگزاری مسابقات در بم است، می‌گوید ترجیح می‌دهد به داوری ادامه بدهد. مجری با القابی که به بازیکنان می‌دهد آنها را دعوت می‌کند روی سکوی شکیلی که برای اهدای جام درنظر گرفته شده بروند. منصوره طاهریان قبل از رفتن روی سکو، دست مرد موسپیدی را می‌بوسد. آن مرد، حاج‌علی طاهریان است، پدر منصوره. او از سال ۷۵ با راه‌اندازی تیم فوتسال، کنار زنان بم بوده: «آن سال‌ها فوتبال و فوتسال بازی کردن سخت بود و همه مخالف. اما من دنبال ورزش زنان بودم. ورزش خیلی خوب است ولی فوتبال یک چیز دیگر است.» قرار است بعد از مراسم جشنی باشد؟ جعفری می‌گوید: «نه، امسال به‌خاطر همدردی با مردم خوی جشن نداریم. به‌خاطر همین هم اطلاع‌رسانی نکردیم.»

همه تشویق می‌شوند اما برای یک نفر همه سنگ‌تمام می‌گذارند، برای جعفری که بم خودش را مدیون او می‌داند. جام روی دستان دختران بم و جعفری بالا می‌رود و برعکس همه مراسم‌هایی از این دست، فقط قهرمان است که روی سکو می‌رود و عکس یادگاری می‌گیرد و مسئولان کنار ایستاده‌اند. بالا رفتن جام با شادی همراه نیست. بمی‌ها که درد مردم خوی را تجربه کرده‌اند، دوست ندارند در بدترین روزهای آنها شادی کنند.

چند دختربچه برای عکس یادگاری وسط زمین آمده‌اند. فوتبالیست‌اند و قرار است آینده بم باشند. عالیه دروازه‌بان است و عاشق بازی نگین زندی مهاجم تیم است و در عوض فاطمه که مهاجم است از مهدیه مولایی دروازه‌بان تیم خوشش می‌آید: «خیلی متعصب است.» بتول خانم می‌گوید: «شاید این بچه‌ها دیگر بتوانند بدون خاطرات زلزله زندگی کنند.»

CHAMPION
فوتبال خاتون
قهرمان

پایان با برد فنی

پانزدهمین دوره لیگ برتر چهارشنبه هفته پیش به پایان رسید و خاتون بم ۳هفته قبل از اینکه مسابقات به پایان برسد، قهرمانی‌اش را قطعی کرد. طبق برنامه، آنها روز آخر باید در بم با تیم کیان نیشابور بازی می‌کردند اما این تیم در همان نیمه‌های فصل از ادامه مسابقات انصراف داد تا بم در روز بدون بازی جام بگیرد. این اتفاق بیش از همه به ضرر زهرا قنبری شد. او تا روز آخر با افسانه چترنور بازیکن شهرداری سیرجان بر سر عنوان خانم‌گلی رقابت داشت. سیرجان هم در بازی آخر مقابل زارع‌باتری سنندج حاضر نشد و باخت فنی داد ولی چترنور با ۲۴گل زده در صدر قرار گرفت. قنبری هم با ۲۱گل در رده دوم ماند. غیراز بم و سیرجان که بدون بازی لیگ را به پایان بردند، فراایساتیس فارس تیم هشتم جدول هم به ایلام نرفت و مقابل پالایش گاز باخت فنی خورد.

کوهستانی: می‌خواهم یک مادر قوی باشم

نرگس کوهستانی یک همراه هم در روز قهرمانی داشت؛ پسر ۲ساله‌اش. برخلاف دوره‌ای که ورزشکاران زن بعد از ازدواج با تیم‌هایشان خداحافظی می‌کردند، چند سالی است که تعداد ورزشکاران مادر زیاد شده. کوهستانی فوتبال با بچه را سخت می‌داند، اما می‌گوید: «خیلی سخت است که بتوانی با بچه فوتبال بازی کنی اما با همکاری همسر و خانواده‌ام توانستم برگردم. من کرمانی‌ام و اگر خانواده‌ام کنارم بودند زودتر می‌توانستم به تمرینات برگردم.» کوهستانی این فصل آنقدر آماده نبود که بازی کند اما همین که توانسته کنار تیم باشد، راضی است: «از فصل بعد بازی می‌کنم. من تلاش می‌کنم که برای بچه‌ام الگو باشم. الان نگاه‌ها عوض شده. وقتی یک زن ازدواج می‌کند فقط زن خانه‌دار نیست، او باید یک زن قدرتمند و یک مادر قوی باشد. من به میدان برگشتم تا برای بچه‌ام الگو باشم و او بداند که یک مادر قوی دارد.» کوهستانی خودش هم یک زن قوی را الگوی خودش کرده: «خانم جعفری برای من بهترین الگوست.»

مولایی: این فصل جذاب‌تر بود

مهدیه مولایی، دروازه‌بان خاتون این فصل از لیگ را جذاب‌تر از فصل‌های قبل می‌داند. او که ۱۵سال است برای خاتون بازی می‌کند، می‌گوید: «نسبت به سال‌های قبل، امسال لیگ جذاب‌تری داشتیم. به‌خصوص که تیم سپاهان مهره‌های خیلی خوبی جذب کرده بود و با تغییری که در کادر فنی داشتند تیم قدرتمندی بودند. آنها تیم را برای قهرمانی بسته بودند ولی ما و رقیب همیشگی‌مان؛ شهرداری سیرجان هم عملکرد خیلی خوبی داشتیم ولی متأسفانه سیرجان درگیر حواشی شد و نایب‌قهرمانی را از دست داد. امیدوارم سال بعد دوباره سیرجان را با قدرت در لیگ ببینیم.» بعد از ۸قهرمانی، بمی‌ها انگیزه‌ای برای قهرمانی نهم داشتند؟ مولایی می‌گوید: «ما اول فصل به سختی سپاهان را بردیم. در بازی با سیرجان هم که اینجا بود، خیلی به ما سخت گذشت. بازی زودهنگام ما و سیرجان در هفته سوم باعث شد قهرمانی ما تقریبا مسجل شود و جذابیت کم شود. اگر این بازی هفته‌های آخر بود، به راحتی قهرمان لیگ معرفی نمی‌شد. تا هفته هشتم هم سپاهان به قهرمانی امیدوار بود اما بعد از نتایج خوب ما آنها هم دیگر مطمئن شدند ما قهرمانیم. با این حال سپاهان سال بعد رقیب سخت ماست. امیدوارم سیرجان هم دوباره با قدرت به لیگ بیاید.»

مولایی که با حضور زهرا خواجوی در تیم، دروازه‌بان دوم بود، ۶هفته در دروازه تیم بود و از خودش راضی است: «من و زهرا دوست‌های خوب و رقیب‌های سرسختی هستیم. بیشترین کلین‌شیت را این فصل داشتیم. در بازی‌هایی که من درون دروازه بودم، گلی نخوردم. امیدوارم در جام باشگاه‌های آسیا هم نتایج خوبی بگیریم.»

CHAMPION
۱۴۰۰

جدول اعداد | ۴۴۳۱

اعداد ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یک‌بار دیده شود. پاسخ‌ها در ادامه آمده است.

ساده

۷			۱		۳			۶
	۹			۵			۲	
		۱	۹		۸	۳		
۴	۳						۵	۷
		۷				۸		
۸	۶						۱	۲
		۳	۵		۲	۷		
	۱			۳			۴	
۹			۸		۶			۱

سخت

			۱			۶	۲	
	۷	۵	۴					۱
	۹			۷				۳
		۸		۵		۴		
۲				۸			۵	
۷					۸	۹	۴	
	۶	۹			۳			

متوسط

		۸	۳					
	۳			۵			۴	
۹	۱		۴			۳		
					۹		۶	۲
		۴				۵		
۱	۶		۸					
		۲			۱		۸	۷
	۹			۳			۵	
					۷	۹		

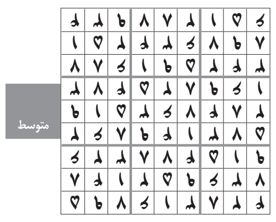

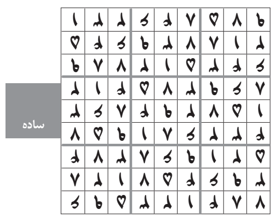

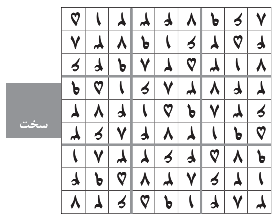

جدول ۸۷۲۲

افقی:
۱- از ادوات ورزش باستانی- برابری- سیخونک
۲- نام آذری- نامزد- آخر پاییز می‌شمارندش
۳- دارایی و ثروت- رباعی‌سرای دوره سلجوقی- دریانورد
۴- خرده‌سنگ- میان‌تهی- خارپشت استرالیایی
۵- نوعی کشتی هوایی که با گاز هلیوم پر شده و به پرواز درمی‌آید- سرشار
۶- از واحدهای اندازه‌گیری فشار- قرار داده‌شده- الفت
۷- نویسنده- نام‌ها- گوشه‌ای در دستگاه شور
۸- صدای پاره‌شدن کاغذ- احوال‌پرسی کردن- جدید
۹- از یاران امام حسین(ع)- گلی زیبا- نامیده‌شده
۱۰- دیوار بلند- نام چند تن از پادشاهان فرانسه بود- استوار
۱۱- سراینده غزلیات شمس- نشانه
۱۲- شیشه ایمنی- پیروز- مقابل
۱۳- رهاشده به حال خود- عصاره غلیظ شده انگور- شهری با تأسیسات هسته‌ای
۱۴- رودی در آلمان- رمان مشهور هرمان ملویل، نویسنده آمریکایی- ریشه
۱۵- اشاره به دور- وسایل و لوازم زندگی- پیشینه

عمودی:
۱- سحرخیز باش تا ... شوی- سمت و سو- زن گندمگون
۲- جسمی- انجام کاری بیش از یکبار- نوعی پارچه از الیاف گیاهی
۳- نوعی التهاب پوستی- اشتهار
۴- تیر عمود بر عرشه کشتی- نامه‌رسان- شهری در ایتالیا
۵- نشانه جمع فارسی- از الف تا ی- پرتاب گلوله از تفنگ
۶- شکار- سنگدلی- حرف همراهی
۷- بدهکار- قومی از نژاد سامی- سومین پسر آدم و حوا
۸- شمشیرزن- نوعی سلاح که پی در پی شلیک می‌کند- خاکستری روشن
۹- همسر حوا- سوره سی و یکم قرآن- امانتی
۱۰- تعجب زنانه- پافشاری کردن- برافروخته
۱۱- حیله‌گر- خزنده‌ای خطرناک با آرواره‌های قوی- سنگ آسیاب
۱۲- بزرگداشت- سامانه- صدای بلند
۱۳- ورزش ترکیبی از گلف و چوگان- دوراندیش
۱۴- زندانبان- مرطوب- گلی زیبا
۱۵- فرسوده- تخته هالتر- تعادل

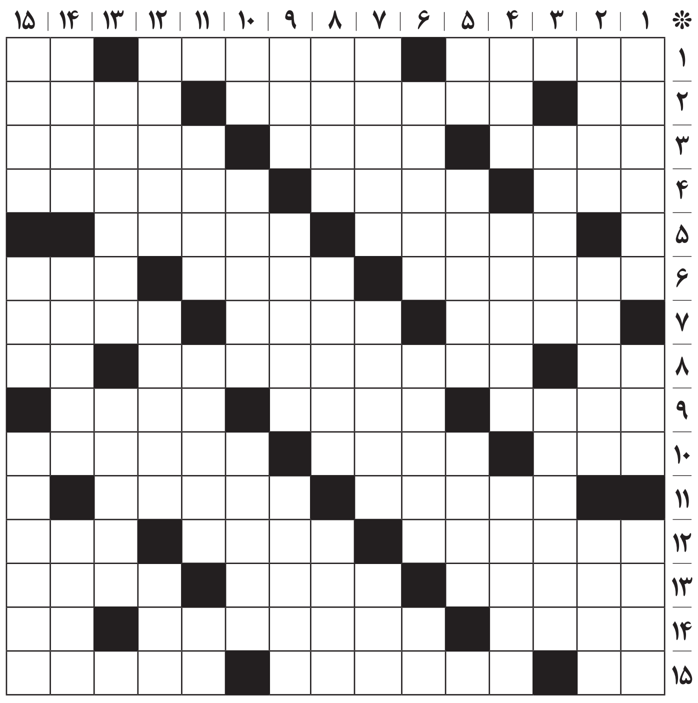

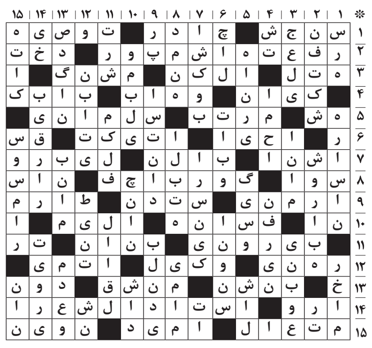حل جدول شماره ۸۷۲۱